



## تیترو روز

پاسخ جهانگیری به احتمال کاهش قیمت‌ها: دعا کنید!

**مردم: انصافا دیگه کاری غیر از دعا هم از دست‌مون برنمیداد!**

رئیس انجمن بیوتکنولوژی: اگر ما واکسن موثر کرونا را هم تولید کرده باشیم، ترجیح می‌دهیم به‌صورت عمومی مطرح نکنیم

**دارکوب: می‌ترسین چشم‌بخورین یا می‌خواین اول به‌نورچشمی‌ها بزنین؟!**

تصویب طرح کوپن الکترونیکی در مجلس

**دارکوب: آخ جون، به‌یاد قدیم به شغل جدید برامون جور شد!**

یک خانه، هدیه روسیه برای تولد فرزند سوم  
**مستاجر: هدیه صاحب‌خانه برای تولد فرزند سوم، اخراج از خانه!**

لارگانی، نماینده مجلس: به‌جای دولت، ما از مردم عذرخواهی می‌کنیم

**مردم: هر دو صاحب‌اختیارین، ما عذرخواهی می‌کنیم مزاحم شدیم!**

وزیر بهداشت: عادی‌انگاری مردم خوب نیست اما عادی‌انگاری مسئولان بسیار بدتر است

**مردم: پس بیاین دو تایی عادی‌انگاری کنیم، انگار نه‌انگار!**

مجوز افزایش قیمت خودروها برای سه‌ماه سوم سال، به‌طور رسمی ابلاغ شد

**خریداران: خدا رو شکر که می‌تونیم رسمی و قانونی گرون‌بخیریم!**

کرونا مغز مبتلایان را ۱۰ سال پیرتر می‌کند!

**یک مبتلا: عالیه، یعنی اتفاقات ۱۰ سال اخیر رو فراموش می‌کنیم؟!**

## کله چنوکی

## آق کمال دور می‌ریزد!



آق کمال

همه کاره و هیچ کاره

یگ خصلتی دُرُم که اگه بخوام ساده توضیح بدم ای مشه که «هر چیز که خارا آیه، یگ‌روز به کار آیه». بری همی دلم نیمه‌هیچی ره دور بندازم. حالا زمانی که مجرد بودم، خانه‌مان بزرگ بود و جا داشتیم آت‌آشغالامه بذارم تو انباری و وزیر زمین و خرپشته و... ولی از وقتی ازدواج کردم و آمدم خانه خودمان، تو فسقل آپارتمان جابری خودمان ندرم، چه برسه به چیز میزای مو. حالا گفتم خانه فسقل، به عیال بر مخوره که درباره‌خانه آقاش ای جوری حرف زدم و باز مگه «اگه خیلی ناراحتی همین الان برویه خونه بگیر تا بریم» ولی منظورم ای بود که خانه دنج و گرم و صمیمی! خلاصه چند روز پیش تعطیل بودم و عیال گفت باشو کار درم. یعنی خدا نکنه موبگ روز بخوام تو خانه استراحت کنم، او قدر نامه‌مریزه که بیزار مرم و ترجیح مذم بزم سر کار. اول از انباری روی پشت‌بوم شروع کرد. چندتا کارتن از زمان مجردیم آورده بودم تو انبار که کاملیا خانم گفت باز کن ببینم چی توشه. هی گفتم حالا ولش، اینا که رو پشت‌بوم و تودست و بال‌مان نیستن، ولی ول کن نبود. آخرش یکی‌یکی باز کردم و براش توضیح دادم: «اینارو نامه‌ها و مجله‌هاییه که توشان اسممه چاپ کردن که برایشان نامه نوشتیم وقتی بچه بودم... اینانوارهای کاستم هستن که... عه! تو گرم‌ماندن و ذوب شدن! اینا کتاب‌های دوره یچگیمه که الان پودر شدن! اینا خودکارهای کلکسیونم هستن که... جوهر پس دادن! اینا برگ‌ها و میوه‌های کاج دانشگاه و خانه قبلی آقابزرگم و پادگان سر بازیم هستن که یادگاری ورداشتم آوردم و الان کخ افشاده توشان... اینا نقشه‌هاییه که تو دانشگاه بری خانه خودم کشیدم که خب الان به‌دو پول سیاه هم نمی‌ارزن و باید جسر تنش ره به او دنیا بیزم... اینایم واکمن و بی‌سیم و بوق دوچرخه و ماشین کنترلی و چراغ‌قه‌هاییه که دل و روده‌شانه مرختم بیرون تا یاد بگیرم چی به چیه و اگه یگ‌زمانی چیزی مان خراب رفت، از روی اینا وسایل بردارم. ایم نعل اسبه بری شانس که از تو کوچه پیدا کردم...» سر تانه درد نیارم، همه‌شان ره خرکش کردم پایین تا سطل آشغال سر کوچه. بعد فهمیدم اصلا قصد عیال همی بوده و وسایل موره که مثل خار تو چشمش بودن رد کنه بره! ایم ازای.

# در حاشیه اوضاع وخیم دارو!



کارتون‌نویست: طراوت‌نیک

## سوزه‌روز

## زبون داریم، دست می‌خوایم!

**دومی:** بد هم نمی‌گه ها! مسئولان که این قدر شاکي هستن ما دو دست بیشتر نداریم و کارها رو نمی‌تونیم بهتر از این انجام بدیم، زبون لازم شون نمی‌شه، فقط باید دست مصنوعی واسه شون درست بشه.

**سومی:** فقط سازنده‌های دست باید حواس شون باشه دست رو کج سازن.

**اولی:** دلم خوش بود خبر الکی و غیرسیاسی واسه‌تون آوردم، از همین هم باز یه چیزی در آور دین؟

**اولی:** ای بابا باز ما اومدیم دو دقیقه سیاسی نباشیم تو شروع کردی؟

همه‌اش به جوری می‌شه و حس چشایی و بویایی هم از کار افتاده، خیلی بهش نیاز دارم.

**اولی:** تو بهتره دیگه گلو تو همون جور که هست دوست داشته باشی.

**سومی:** ولی می‌گم خدا کنه این زبون دست‌یه سری از مسئولان نیفته. این عزیزان همین جوری زبون زیاد دارن برای حرف زدن، اینم دست‌شون بیفته که دیگه صبح تا شب واسه‌مون سخنرانی می‌کنن به‌جای کار کردن.

**اولی:** ای بابا باز ما اومدیم دو دقیقه سیاسی نباشیم تو شروع کردی؟



ولم‌کنین...  
بخارین به  
حسابش برسم  
که دیگه نگه‌تا  
وایستادی برای  
منم چای بریز!

آخیش... فقط تو  
این حالت این‌جا  
وسط زمین و هوا  
میشه دو دقیقه  
از اخبار این‌روزها  
فرار کرد!



کارتون‌نویست: محمدجواد طاهری

## فال روز

ای صاحب فال، هفته‌پر تلاشی پیش رو داری. از آن‌جا که قیمت‌ها هر روز مارا شگفت‌زده می‌کنند، در این هفته تمام سعی ات را می‌کنی هر چه می‌توانی جنس بخری. فرقی هم نمی‌کند، از بقالی به میوه‌فروشی می‌روی و از آن‌جا به مرغ‌فروشی... اما... در نظر داشته باش که هم خودت را خسته می‌کنی، هم زودتر کفگیرت به ته‌دیگ می‌خورد و هم باعث می‌شوی کسی که واقعا پودر لباس‌شویی و کره و گوجه‌فرنگی لازم دارد، گیر نیابد. پس ریلکس باش، ریلکس تر... و سعی کن مثل بقیه با این وضعیت کنار بیایی!

## شعر روز

## منظره ویروس کرونا و یک شهروند بی‌مسئولیت

ویروس کرونا:

ببندید جاده، ببندید راه  
و گرنه کنم شهرتان پایگاه  
کنم زودتاسیس فدراسیون  
اگر برنچینیدم از بیخ و بن!

یک شهروند بی‌مسئولیت:

کرونا کجا بود، شوخی ست این  
به آن تر سناکی بدان نیست این  
بچرخ و بگرد و بخور بی خیال  
نباشد تورا هیچ رنج و ملال!

ویروس کرونا:

کمی ماسک ارزان به مردم دهید  
به بچه، به آقا، به خانم دهید  
بگیرید حتی جریمه اگر  
کسی از قوانین ندارد خبر!

یک شهروند بی‌مسئولیت:

ندارم دگر پول، جیبم تهی ست  
شیش هم درونش دگر زنده نیست  
شود ماسک گزرایگان لاجرم  
گران تر به بازار من می‌برم!

ویروس کرونا:

مرا باش گفتم برای شما  
گریبان دهم چاک و گیرم عزا!  
تاسف به حالت بخور، بی‌خرد  
که مغزت در این داستان داده‌زد!

الهه‌ایزدی

\*\*\*\*\*

## نخود هر آش!

(به لہجه مشهدی)

تو که تو کار بقیه هی دخالت مکنی

میه یک‌روزی که احساس ندامت مکنی

آقا جان! ها با شمایم، دری گوش‌مدی یا نه؟

دو دقیقه به ای صحبتام عنایت مکنی؟

کافیه یک نفری فقط بگه «ک»، تو دگه

سه ساعت از کچل و کلپسه صحبت مکنی!

هر کی ناخوش مریه یک جوشونده خر جش مکنی

باباجان! تو دکتری که هی طبابت مکنی؟!

حالا یک تصادفی رفته، مگه تو افسری؟

که از ای یا که ازویکی حمایت مکنی؟

کو ببینم تو اوصن خودت گویانامه دری؟

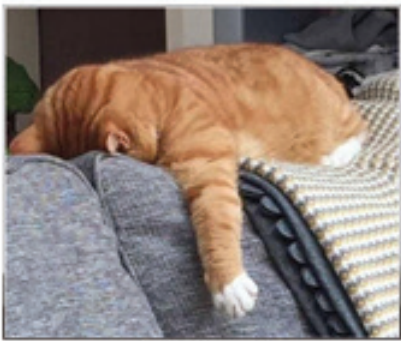
تو خودت حق تقدمم رعایت مکنی؟

اگه تو بیل زنی خُب باغچه خودت بیل بزنی

بر چی مردم وادار به شکایت مکنی؟

مجید رحمانی صانع

## دیفال



## گر به شنگول

نوع: یک ساله

قیمت: توافقی

توضیحات:

بچه گر به زیبا و مامانی، سالم، بانمک،  
واکسن‌هایش را زده، شناسنامه دار،  
سر حال و تر و فرز، بسیار باهوش،  
خیلی حرف گوش‌کن، بازیگوش و  
شیطون. البته اینی که در عکس  
می‌بینید خواهرش است که مقداری  
خجالتی است. متأسفانه نتونستم از  
خودش عکس بگیرم، همین رو در نظر  
بگیرین، لاغرتر، مشک‌تری، وحشی‌تر...  
نه ببخشید، چیزه، شیطان‌تر!  
مجانی هم میدم، تو رو خدا فقط نجاتم  
بدین از دستش...